

## پژوهشی در موسیقی محلی کردستان

از : ایرج برخوردار

### مقدمه

بارزترین نشانه‌های قومیت و بهترین وسیله شناسایی خصوصیات یک ملت فرهنگ عامیانه آن سرزمین است. فرهنگی که جلوه گاه تمدن بوده، آینه وار منعکس کننده موجودیت‌های آن قوم میباشد. مردمان کوچه و بازار و کوهها و دشت‌ها با طبیعت نزدیک و مانوس هستند و زندگی را گرچه سطحی و کم عمق است، بدون واسطه لمس میکنند و متناسب با درک و اندیشه خود از آن تأثیر می پذیرند. آنها با شادبها و غم‌ها از نزدیک آشنایی دارند و خوشی‌ها و ناگواریهای طبیعت کیفیت زندگیشان را دچار هیجان یا افسردگی مینماید. با این ترتیب جای هیچگونه تعجب نیست اگر بطور آشکار عادات و سنن و روایات این مردم در هنرهای فولکلوریک تجلی کند. شعر، نقاشی، پیکرتراشی و موسیقی مردم عامی مبین خصوصیات آنهاست و رازهای درونشان را بخوبی میتوان در این تجلیات ذهنی و عاطفی بررسی کرد. خصوصاً در موسیقی فولکلوریک که ملدی و شعر باهم تلفیق میشوند بخوبی میتوان نشانه‌هایی از انعکاسات عاطفی آنها را مشاهده کرد.

در نتیجه، این موسیقی با حالات مختلف خود وسیله گویایی است که با

اصالت فراوان می‌تواند بیان‌کننده غم‌ها و شادیه‌ها یا پدیده‌های حماسی-اجتماعی و انسانی این مردم باشد. این ملودیها بطور کلی، در عین سادگی، حائز مشخصه‌ها و کیفیات پرارزشی هستند.

اشعار آنها خصوصاً حاوی نکته‌هایی است که عشق، محبت، نفرت، انساندوستی، احساسات ملی و میهنی، گذشت و شهادت و خلاصه تمام معیارهای اخلاقی و انسانی را بایبانی ساده اما زیبا و پرمعنی نمایان می‌سازد.

در هر گوشه‌یی از کشور ما، از آن جمله کردستان، نمونه‌های مختلف از موسیقی محلی یافت می‌شود که هر کدام بنا بر کیفیات جغرافیایی و قومی و عوامل خارجی دیگر شکل و مختصات مختلفی دارند.

کردستان سرزمینی است که بنا بر عوامل خاص طبیعی از قبیل وجود کوه‌های بلند و صعب‌العبور و دره‌های ژرف مکان‌امنی برای حفظ کلیه آثار قومی است. این عوارض طبیعی سبب شده‌اند تا مقدار زیادی از تأثیر پذیری عوامل بیگانه جلوگیری شود.

با وجود پیشرفت مظاهر تمدن و اشاعه آداب و رسوم جدید و ارتباطات سریع هنوز در این سرزمین اصیل‌ترین و قدیم‌ترین سنن محفوظ مانده و عمل می‌شود. در این سرزمین نه تأثیر آداب یونانی - نه خصوصیات عرب و نه کیفیت قوم مغول را که هر یک زمانی دراز بر این مملکت حکومت رانده‌اند، میتوان دید. برای اثبات این مدعا کافی است به تحقیقاتی که بوسیله دانشمندان زبان شناس بعمل آمده توجه کرد. این تحقیقات نشان می‌دهد که زبان کردی خصوصاً کردی «اورامی» نزدیکترین لهجه بزبان قدیم اوستایی است و هنوز لغاتی مانند (ژن = زن) - (گوش = کفش) - (بژنگ = غربال) و غیره در زبان کردی وجود دارد. این امر می‌تواند دلیل قاطعی بر کیفیت حفظ نسبی اصالت‌های این ناحیه باشد.

هنوز در لهجه کردی اورامی اشعار و ترانه‌هایی موجود است که در مدح و ستایش و تعریف از آتشگاه «پاوه»<sup>۱</sup> بگوش می‌رسد. گرچه این مردم به آیین اسلام گرویده‌اند ولی با مختصر دقت می‌توان بخوبی ملاحظه کرد که چگونه به عناصر مقدس نزد ایرانیان باستان احترام می‌گذارند و آنرا بحیطه آیین اسلام کشانده و تقدیس می‌کنند. از قبیل احترام به آتش - گرامی داشتن آب

---

۱- پاوه شهری است در استان کرمانشاه که مرکز «اورامانات» بوده، خرابه‌هایی از يك آتشگاه قدیمی در آنجا باقی مانده است.

و آفتاب - رعایت و احترام به آداب و سنن و غیره ...

اما باید توجه داشت که کردستان سرزمین بسیار وسیعی است و اقوام کرد در سطح بزرگی پراکنده اند که تقریباً از حدود مرکزی آذربایجان تا نواحی خوزستان و مشرق ترکیه و قسمتی از سوریه و شمال عراق را شامل می شود. هر کدام از این نواحی بعلل نزدیکی و ارتباط با فرهنگهای مجاور شکل و رنگ خاصی گرفته اند .

بنابراین برای اطمینان بیشتر از گردآوری و توجه به آهنگهای اصیل؛ و از نظر سهولت امر و بخاطر دقت عمل بیشتر، بکرترین و محفوظترین مناطق کردستان مورد نظر بوده و در این نوشته سعی شده موسیقی محلی مربوط به این نواحی مورد بررسی قرار گیرد .

این مناطق شامل کردستان ایران و آنهم در فاصله یی محدود به سنندج و کرمانشاه و حومه آنها - اورامان - سقز و قسمتی از لرستان است.

این نواحی بعلت قرابت لهجه - نزدیکی و تشابه اوضاع جغرافیایی و یگانگی در روابط نزدیک اخلاقی و قومی می توانند بیشتر مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند .

. . . . .  
. . . . .

### (ترانه های کردی)

ترانه های کردی شامل دو مصراع و هر مصراع مرکب از ده هجا است که تقریباً می توان شباهتی با اشعار مثنوی مولوی در آن یافت .

از لحاظ قافیه، حروف آخر دو مصراع یکسان و اغلب تابع قوانین قافیه در زبان فارسی و عربی است ولی چون بامیزان عروضی سنجیده نمی شود ، ناگزیر شماره هجاها و بلندی یا کوتاهی آخرین هجا در هر مصراع را ، برای صحیح بودن شعر باید در نظر گرفت. اشعار و آثار منظوم کردی را می توان به پنج دسته تقسیم کرد :

#### ۱- شعر عروضی کردی

این اشعار شامل دیوانهای شعرای کرد است و بر اساس بحرهای عروضی و فارسی سروده شده است . مثل :

مانگی يك شو بويه دايم زياده كاو دهشني ته وه  
 تا جوانی خوی وه كو روی توبه رازی نتيه وه  
 تا ده گاته چوار ده هم شوتی ده گانا گابه تو  
 جاله داخا ورده ورده كم ده كاو ده سوتیه وه  
 ترجمه آن چنین است :

هلال ماه يك شبه از آن جهت همواره در حال رشد و بزرگ شدن است.  
 چون میخواهد زیباییش را بحد زیبایی روی تو برساند  
 ليك وقتی بشب چهاردهم رسيد و دريافت چون تو زيبانيست  
 آنگاه كم كم از غصه لاغر شده و از بين ميرود .

## ۲- بيت

بيت عبارتست از داستانهای حماسی - عاشقانه - اجتماعی - اخلاقی و عرفانی که بصورت نظم و نثر ساخته می شود . اشعار بيت معمولاً هجایی است و گاهی يك مصراع از بيت ممکن است درازتر و یا کوتاھتر از مصراع قبلی باشد .

بيت اصولاً از بندهای مختلف ساخته شده است . در بعضی از آن ها خواننده بيت (بيت ویژه) ممکن است چند مصراع از آن را در آخر هر بند تکرار کند که در نتیجه شکلی از ترجیح بند (Refrain) بوجود می آید .

دسته بی از بیت ها که برای رساندن مضمون و مفهوم گفتاری خصوصیتی نثر مانند دارند در اصطلاح بيت خوانان «مناجات» نامیده می شود ، ولی اصولاً بیشتر بیت ها منظوم اند و ملودی مخصوص بخود دارند . بيت را بمناسبت آهنگهای مخصوصی که دارد ، در مناطق مختلف به اسم های مختلف مینامند که مشهورترین آنها حیران ( Heirān ) و لاوک ( Lāwok ) است .

## ۳- گورانی

کلمه گورانی اساساً منتسب به گوران ، نام یکی از عشایر مهم بین سندج و کرمانشاه است . مردم آن پیرو مذهب اهل حق<sup>۱</sup> بوده و دارای آداب

۱- اهل حق گروهی هستند در شهرستان صحنه واقع در کرمانشاه که مقام علی را همپایه مقام خدا میدانند .

و ادبیات مخصوص هستند. آثار منظوم گورانهاده هجایی است و چون هر یک ملدی خاصی دارد باین جهت این نام در لهجه کردی تعمیم یافته، اصطلاحاً هر شعر عامیانه‌یی را که با ملودی خاص خوانده شود گورانی می‌گویند. از تحقیقات دانشمندان در مورد اوستا چنین نتیجه‌گیری می‌شود که بخش عمده اوستا منظوم و شامل اشعار هجایی بوده است. خصوصاً گاتها که همان سرودهای مذهبی زرتشت است. همانطوریکه امروزه کلمه (گورانی) در کردی برای ترانه‌های تلفیق شده باملدی بکار می‌رود کلمه «گاته» نیز بعنوان ترانه‌های مذهبی توام باملودی اوستایی اطلاق می‌شده است.

مسلم اینست که اشعار کردی پیش از اسلام اکثراً صورت هجایی داشته‌اند.

بطور خلاصه می‌توان گفت تحول شعر کردی از سنت کهن شعر هجایی شروع شده و به دوران شعر عروضی رسیده است.

(گوران) شاعر کرد تحولی در شعر کردی بوجود آورد و بعدها شعر گویی بسبک اورواج یافت. حتی در زمان حال اشعار بدون وزن و آزاد کردی سروده می‌شوند.

یکی از نمونه‌های گورانی کردی را مرد وزن کرد در مورد توصیف ابزار و وسایلی که بکار می‌برند می‌سرایند. این قسم ترانه‌ها در کردی اسم بخصوصی ندارد.

پیدا است که این ترانه‌ها دارای کیفیت بخصوص و جالبی است که از چگونگی همان ابزار مایه گرفته و طریق بهتر زندگی کردن، پیشرفت وضع اقتصادی یا بیان معتقدات ملی را شامل می‌شود. ذیلاً یکی از این اشعار گورانی را که ملدی بخصوصی داشته، برای (مه‌شکه ژین = زنی که با مشک کار می‌کند) سروده شده، به عنوان یکی از بهترین نمونه‌ها یادآوری می‌کنیم.

متن آن بلهجه کردی «مکری» یا «مه‌نگوری» است.

#### مه شکی

نه خونیک و هوری گواران  
 هدی ماله بابم مه‌شکی  
 له ده رکی ده وله مه ندی

مه شکی بژی به چواران  
 به شم نه‌بری له سواران  
 مه شکی بژی له‌له ندی

له شه قدی بازی بهندی  
هی ماله بابم مه شکی

که ترجمه‌اش چنین است :

مشک را چهار نغره بزنی  
سهم مرا از سوارهایی که می‌آیند بگیر  
مشک را در کوهستان بزنی  
به همراه صدای بازوبند  
ای جانم مشک ....

همراه طنین صدای گوشواره‌ها  
ای جانم مشک  
در بارگاه ثروتمندی بزنی  
دوغش از قند خوشمزه تراست

#### ۴- ناول (Novel)

چون زندگی افراد بیشتر شکل فنودالی داشته لذا عوامل اجتماعی فنودالیت را میتوان بخوبی در ادبیات کردی مشاهده کرد. در کردی افسانه‌های فراوانی از عقاید و افکار مردم کرد وجود دارد و در ضمن افسانه‌هایی از زبانهای دیگر در کردی اقتباس شده و صورت افسانه‌کردی گرفته‌اند. در مورد ناول کردی باید گفت که تقریباً از بیست سال قبل نوشته‌های کردی در زمینه داستانهای امروزی و موضوعهایی از زندگی افراد رواج یافته و تحقیقاتی در زمینه آداب و سنن و فولکلور کردی بعمل آمده است. احتمالاً مقداری از آنها بیان‌کننده کیفیات زندگی اجتماعی مردم بوده‌اند.

نمایشنامه‌هایی نیز در فاصله بین سالهای ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۲ در عراق فوشته شده که نمی‌توان تمام آنها را با ارزش دانست. زبان اصلی و ادبی کردی هنوز بصورت تثبیت شده‌ی در نیامده و در خط کردی برای نشان دادن صداها علائم مختلفی وجود دارد.

کامل‌ترین خط برای رساندن تلفظ درست کلمات با استفاده از الفبای لاتین خطی است که توفیق وهبی یکی از نویسندگان کرد در مقدمه فرهنگ کردی - انگلیسی عنوان کرده است. و این طریقه صحیح‌ترین و گویاترین روش برای رساندن اصوات و آهنگ کلمات میباشد.

#### ۵- فهلویات .

در اصطلاح نویسندگان و محققین زبان فارسی کلیه دوبیتی‌ها و اشعاری که بلهجه‌های محلی ایران سروده شده و اغلب آنها نیز باملدی خاصی توأم

باشند فهلویات نامیده می‌شوند .

کلمه فهلویات جمع فهلوی و عبارتست از اشعار و ترانه‌هایی که منسوب به شهرهای فهله یا پهله بوده‌اند. پهله عبارت از شهرهای بخش مرکزی و شمالی و غربی ایران میباشد اشعار کردی ولری نیز که بسته‌گریخته بنام فهلویات اشاره شده از آن جمله‌اند.

تمام این اشعار هجایی هستند و شماره هجاها بیش از بلندی و کوتاهی آنها اهمیت داشته‌اند. اغلب کتابهای داستانی و حماسی مانند شاهنامه و اسکندر نامه و بیشتر داستانهای عشقی بر محور لهجه اورامی همه ده هجایی هستند که اکثر آگویندگان کردی آنها گمنام‌اند. این ترانه‌های ده هجایی شامل دو مصراع بوده، بنحویکه اگر مصراع‌های کردی و فارسی را باهم بسنجیم باید هر مصراع را که شامل دو جزء است يك بیت مستقل بشمار آوریم که قافیه در آخر بیت اول و دوم ملحوظ شود مثلاً،

تو خوت گلی کی گل ارای چه ته      عالم وه حسرت گله کی خوته  
که ترجمه‌اش چنین است:

تو خودت گل هستی و گل لازم نداری

تمام دنیا در حسرت گل روی تو است

که می‌توان آنرا چنین نوشت :

گل ارای چه ته

تو خوت گلی کی

گله کی خو ته

عالم وه حسرت

### اشعار هشت هجایی و سه‌مصراع<sup>۱</sup>

با توجه به آثار و شواهدی که از لهجه‌های امروزی زبان کردی بدست آمده مشهود است که سابقاً اشعار هشت هجایی و سه‌مصراع<sup>۱</sup> بیش از اشعار ده هجایی وجود داشته‌اند. اغلب این نوع اشعار که (بیت‌ها) و (گورانی‌ها) را تشکیل میداده‌اند، با آهنگ خوانده می‌شده و شامل تصنیف‌های کردی نیز بوده‌اند.

گوهرم کوتاه ده ریایه

هرچند ده کم فکر و رایه

بصد غواص بوم دره نایه

که ترجمه‌اش چنین است:

۱- نقل از مقدمه کتاب گورانی دکتر محمد کلری

هرچند فکر میکنم و می‌اندیشم گوهری که از من بدریا افتاده  
بوسیله صد غواص هم نمی‌توانم بازش یابم

## سازهای متداول کردستان

- ۱- ایدیوفون - Idiophone : سازهایی که منبع ایجاد صوت بخود ساز مربوط می‌شود مانند : زنگ - سیلوفون و غیره
  - ۲- ممبرانوفون - membranophone : سازهایی که در اثر کشیده شدن Membran (پوست)، کاغذ یا وسایل دیگر و تحریک این وسایل ایجاد صوت مینمایند مانند: طبل - تیمیانی و غیره.
  - ۳- کوردفون - Chordophone : عبارتند از تمام سازهای زهی و سازهایی که تکامل آنها به پیانو ختم میگردد.
  - ۴- آئروفون - Aerophone : سازهایی که در اثر ارتعاش و فشار هوا در آنها صوت حاصل می‌شود مانند سازهای بادی، ارگ، هارمونیوم و هارمونیکا.
  - ۵- الکتروفون - Electrophone : سازهایی که بکمک جریان الکتریسته تولید صوت میکنند.
- اینک بر مبنای این تقسیم بندی، می‌توان گفت که سازهای کردستان سه گروه از گروه‌های پنجگانه فوق را حائزند:
- ۱- سازهای ممبرانوفون - مثل : دف - دایره - دهل - طاس - دو طبله
  - ۲- سازهای آئروفون - از قبیل: دوزله - شمشال - قوه نای - سرنا
  - ۳- سازهای کوردفون - مانند : تنبور - تار - کمانچه.
- در پائین خصوصیات هر یک از سازهای بالا در گروه مخصوص خود ذکر می‌شود:

## سازهای ممبرانوفون

### ۱- دایره

دایره در تمام نواحی کردستان معمول است و بتحقیق کلیه مردمان مناطق کردنشین از این ساز استفاده می‌کنند. دهقانان کردستان دایره را برای همراهی



آوازهای یکنفره در مجالس شب نشینی یا اعیاد بکار می‌برند. در اکثر رقص‌های دسته‌جمعی کردی که چوبی نامیده می‌شوند دایره رل اصلی را بعنوان ساز همراهی کننده برعهده دارد.

### خصوصیات کلی

این ساز دارای بدنه‌ی کاملاً دایره‌ی شکل است. و معمولاً از چوب سطح درخت مو یا چوب‌هایی دیگر ساخته می‌شود و غشایی از پوست گوسفند یا بزبر روی آن می‌کشند.

قسمت داخلی بدنه دایره دارای حلقه‌های فلزی است که در اصطلاح محلی بآنها (زنجیر) می‌گویند. صدای این زنجیرها در هنگام نواختن با صدای اصلی ساز مخلوط شده باعث مشخص شدن آکسانها در خط ملدی می‌گردد.

### اندازه‌ها

ضخامت چوب بدنه دایره در حدود ۱ تا ۱/۵ سانتی‌متر است و پهنای آن به ۷ تا ۸ سانتی‌متر می‌رسد. قطر دایره معمولاً ۴۰ تا ۵۰ سانتی‌متر است. معهداً لازم است یادآوری شود که اندازه کاملاً دقیق و ثابتی برای ساز نمی‌توان تعیین کرد. زیرا نسبت بوسایل و امکاناتی که در دسترس است آنرا بزرگتر یا کوچکتر می‌سازند. معمولاً دایره را چادر نشینانی که هنگام بیلاق بکردستان می‌آیند می‌سازند.

### طرز اجرا

نوازنده دایره را روی دست چپ خود طوری قرار میدهد که انگشت شست در داخل دایره و چهار انگشت دیگر روی پوست آن قرار گیرد. دست راست در سمت مقابل و در نقطه‌ی بالاتر به بدنه دایره تکیه میکند بطوریکه انگشت شست روی بدنه دایره قرار گرفته و چهار انگشت دیگر بطور آزادتر و راحت روی ممبران واقع می‌شود. دست چپ همواره به بدنه دایره متصل است. درحالی‌که دست راست گاهی از بدنه جدا می‌شود تا بتواند آزادانه حین اجرا با پوست دایره تماس پیدا کند.

---

۱- اندازه سازها را شخصاً در محل بدست آورده‌ام.

## ۲ - دف

دف منحصرآ مختص خانقاه‌های دراویش کردستان است . معه‌ذا نوعی از آن بهمین نام در آذربایجان برای همراهی با موسیقی محلی مورد استفاده قرار می‌گیرد .

دف را در خانقاه برای همراهی اشعار مذهبی که در مدح و ثنای ائمه و بزرگان دینی خوانده می‌شود بکار می‌برند . این ساز در ذکرها و مناجات دسته جمعی دراویش نقش مهمی دارد بطوریکه آنها حرکات بدن خود را در ذکر با آکسانهای دف تنظیم می‌کنند . این ساز در خانقاه‌ها مورد تقدیس و احترام فراوان است .



دف

### خصوصیات کلی

ساختمان اصلی دف شبیه دایره است با این تفاوت که ضخامت کمان

آن بیشتر است. کمان بدنه دف را از چوب گردو و یا چنار و گاهی نیز از بدنه های محکم و پهن مو می سازند شرط بهم وصل شدن دو انتهای کمان آنست که چوبها درهم فرو نرفته ، بلکه بر روی همدیگر قرار گیرند . ممبران این ساز را پوست گوسفند یا بز تشکیل می دهد . و معمولا روی پوست تصاویر ماه و ستاره و اسم ائمه را نقش می کنند. در این ساز مانند دایره در قسمت داخلی کمان سه ردیف حلقه فلزی بصورت متصل و متداخل می آویزند که در اصطلاح محلی بآنها زنجیر می گویند و از همراهی آنها برای ایجاد صداهایی تریل مانند استفاده می کنند .

### اندازه ها :

ضخامت چوب بدنه دف در حدود ۱ تا ۲ سانتی متر است و پهنای آن به ۸ تا ۱۰ سانتی متر می رسد . عمق دف از لبه خارجی چوب تا سطح پوست در حدود ۹ سانتی متر است و قطر آن در حدود ۶۰ تا ۷۰ سانتی متر می باشد .

### طرز اجرا :

نوازنده دف را در دست چپ نگاه می دارد ، بطوریکه انگشت شصت در داخل دف و چهار انگشت دیگر روی دف قرار گیرند . شصت دست راست را روی بدنه دف قرار داده و چهار انگشت دیگر روی دف واقع می شود . بدین ترتیب انگشتان دستهارل اصلی نوازندگی را بعهده دارند . وحدتهای ریتمیک ناشی از اجرای این ساز دارای اسامی معینی هستند که شکل کلی آنها را مشخص می کند . این ریتمها در تمام خانقاههای کردستان متداول است . معمولترین ریتمهای خانقاه عبارتند از :



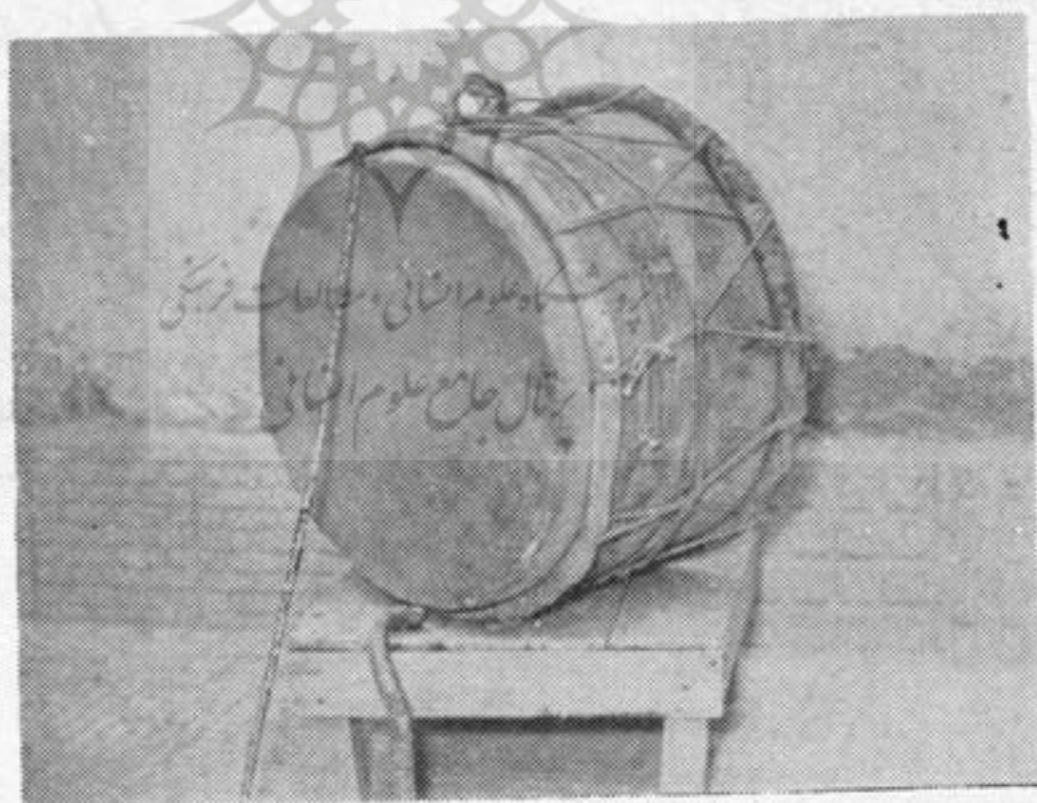
### ۳ - دهل

دهل در اکثر نواحی کردستان شکل و اندازه های مختلفی دارد . این

ساز شامل بدنه چوبی است که دو طرف آنرا بامبرانی از پوست بز یا گوسفند می پوشانند. اجرای این ساز بوسیله دو قطعه چوب عملی می گردد. دهل اکثراً بهمراهی سرنا بکار می رود و استفاده از آن بتنهایی در کردستان متداول نیست. این ساز معمولاً در رقص های دسته جمعی کردستان، که چوپی «çoupi» نام دارد مورد استفاده قرار می گیرد. سابقاً ساعات افطار و سحری را در ماه رمضان با صدای دهل و بهمراهی سرنا اعلام می کردند.

### خصوصیات کلی :

بدنه اصلی این ساز از چوب بلوط - چنار و گاهی از چوب گردو که بشکل استوانه است ساخته می شود. در دو سمت کمان دایره ای، دو قطعه پوست صاف شده گوسفند یا بز، که روی چوب بدنه اصلی محکم شده، می کشند. در روی سطح چوبی بدنه بکمک حلقه های فلزی تسمه ای تعبیه می کنند که نوازنده می تواند در هنگام نواختن آنرا بشانه خود بیاویزد. دهل را با دو چوب می نوازند. یکی از آنها شبیه عصاولی کوتاهتر است و دیگری چوبی نازک و بلند است. معمولاً چوب عصبایی مخصوص پوست طرف راست و چوب نازک مخصوص پوست سمت چپ آنست.



دهل سقر و مهاباد

دهلی که از پوست گرگ ساخته شده باشد معرف پرصداترین دهل در کردستان میباشد.

### اندازه‌ها:

ضخامت چوب بدنه اصلی دهل در حدود ۲ سانتی متر و پهنای آن در حدود ۲۵ سانتی متر می باشد. قطر دایره دهل در حدود ۶۰ سانتی-متر است. طول وسیله اجرایی، که شکل عصا دارد تقریباً ۳۵ سانتی متر و چوب نازک آن حدود ۵۰ سانتی-متر است.

### طرز اجرا



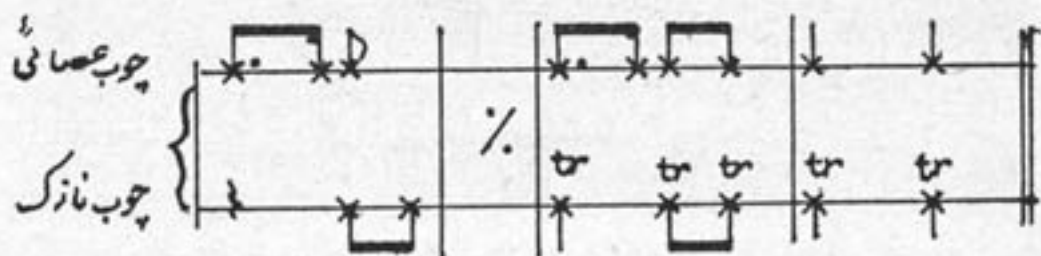
دهل سنندج

دهل را معمولاً به شانه چپ

می‌آویزند و بعلت بزرگی بدنه این ساز،

نوازنده مجبور است بحالت ایستاده ساز را بنوازد، گرچه گاهی نیز اجرای آن در حالت نشسته و با انگشتان، مانند اجرای ضرب عملی می‌گردد. نوازنده دهل برای اجرای قطعات ریتمیک از چوب عصبایی و چوب نازک بکمک هم استفاده می‌کند معمولاً باتون عصبایی مخصوص اجرای ضرب‌های قوی است. صدای بم دهل بوسیله تماس چوب به قسمت وسط پوست حاصل می‌شود. نوازنده دهل دست چپ خود را روی لبه چوبی ساز قرار داده، بوسیله چوب نازک بنوازدگی می‌پردازد. ارتعاش چوب نازک روی پوست صداهای تریل ماندی را تولید می‌نماید.

شکل زیر نمونه‌بی از سیستم اجرایی ریتم را روی دهل نشان می‌دهد:



## ۴- طاس

یکی دیگر از سازهای معمول کردستان طاس نام دارد. اسم طاس جزو سازهای موسیقی در اغلب متون قدیم موسیقی ایران مانند مقاصدالاحان غیبی مراغه‌یی و شرفیه‌صفی‌الدین ارموی و موسیقی کبیر فارابی ذکر شده است. این ساز مخصوص خانقاه است و در مراسم مخصوص درویش نقش مهمی دارد. گاهی نیز در مواقع گرفتگی ماه یا خورشید و یاسایر سوانح طبیعی مانند سیل و زلزله برای رفع خطر از این ساز استفاده می‌کنند.

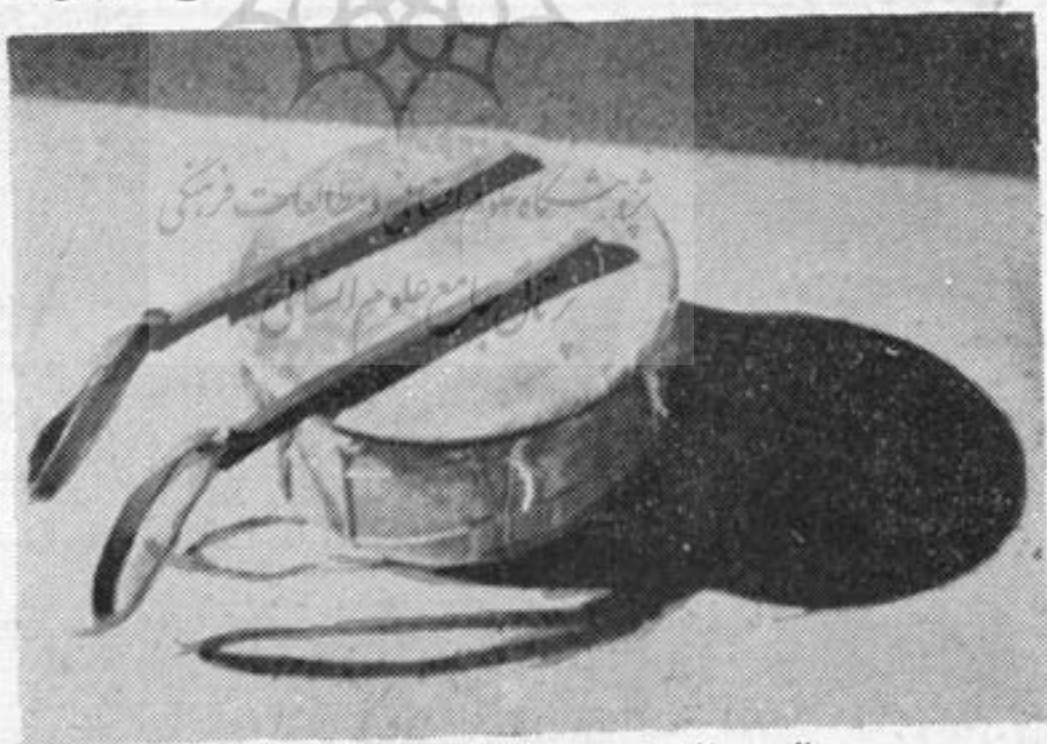
### خصوصیات کلی

ساختمان بدنه اصلی طاس را کاسه‌یی فلزی که اکثراً از جنس مس است تشکیل می‌دهد.

ممبرانی از پوست گاوروی بدنه مسی کاملاً محکم کشیده می‌شود. این پوست بوسیله نخ‌هایی که از اطراف آن می‌گذرند بخوبی محکم شده و در جوانب کاسه مسی نصب می‌گردد.

طاس بوسیله دو قطعه چرم محکم که بانتهای هر کدام نخ متصل است اجرا می‌شود.

نوازنده‌نخ‌ها را بمنظور نگهداری قطعات چرمی دور میچ‌هایش می‌بندد.



طاس ساز مخصوص خانقاه‌های سنندج

## اندازه‌ها :

قطر دهانه طاس در حدود ۴۰ سانتی متر و عمق آن از سطح پوست تا سطح کاسه مسی در حدود ۳۰ سانتی متر است . طول هر یک از قطعات چرمی در حدود ۲۵ سانتی متر می باشد.

## طرز اجرا

همانطوریکه ذکر شد طاس سازی است بسیار ساده که مخصوص مراسم ذکر در اویش می باشد . وحدت‌های ریتمیک ناشی از اجرای این ساز معمولا متقارن هستند . طاس را گاهی یک نفر بتنهایی می نوازند گاهی نیز معمول است که شخص دیگری ساز را محکم در دستهای خود نگاه داشته و نفر دوم بر روی آن نوازندگی می کند . البته این امر بیشتر در مواقعی است که در اویش ایستاده یا در حال حرکت هستند . نوازنده طاس با دست راست آکسانها و با دست چپ صداهای آهسته تر را می نوازند .

از معمول ترین ریتم‌هایی که بوسیله طاس اجرا می گردد میتوان دو نمونه زیر را مثال زد :



## ۴- دوطبله

دوطبله ساز مخصوص عشایر و ایلات کردستان است که در زمانهای قدیم در مواقع جنگ و یا برای جمع آوری افراد و ضدور فرامینی از قبیل حمله ، سوار شدن و حرکت ایل بکار می رفته است . امروزه نیز این مراسم بین بعضی از عشایر کردستان معمول است .

اغلب دوطبله را جلوزین اسب نصب کرده و در هنگام سواری و حرکت دسته جمعی بر روی آن ریتم‌هایی اجرا می کنند .

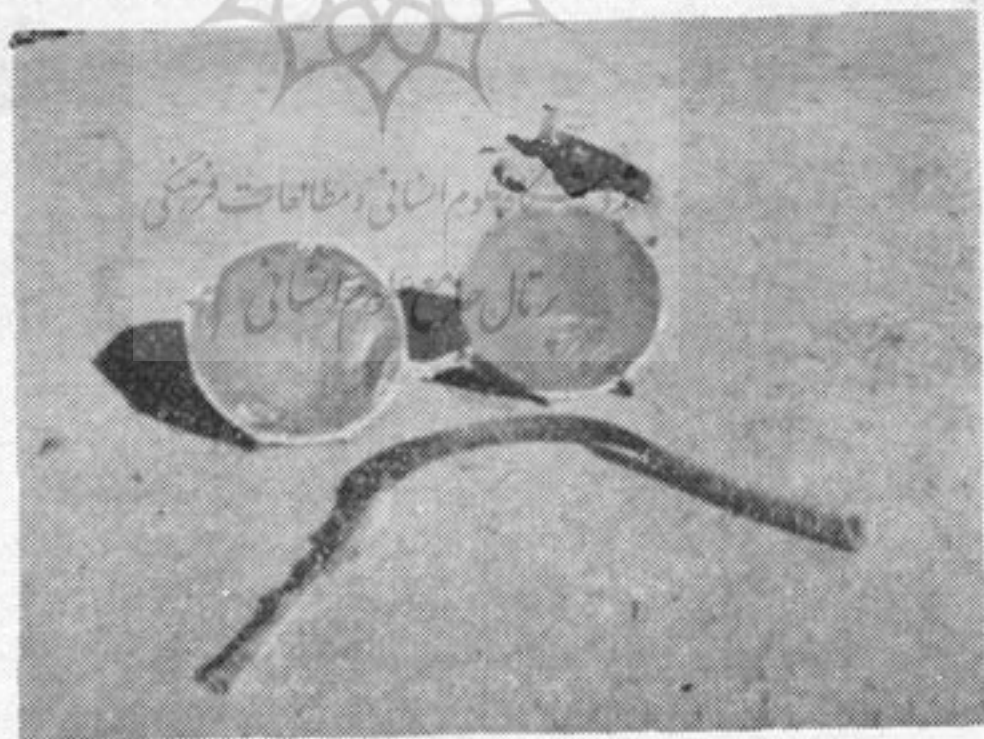
## خصوصیات کلی

بدنه اصلی این ساز را دو کاسه مخروطی از جنس برنج تشکیل میدهد . کاسه‌های مزبور گاهی بوسیله یک قطعه فلز بهم وصل شده و گاهی کاملا آزاد



دو طبله ساز مخصوص عشایر کرد

هستند. این دو طبل کوچک به دو طرف زین اسب وصل می شود. جنس پوست هر یک از کاسه ها با کاسه دیگر تفاوت دارد. کاسه سمت راست از پوست گرگ و کاسه سمت چپ از پوست گوسفند یا بز است. تفاوت جنس پوست باعث ایجاد اختلاف



دو طبله



صوت می‌گردد. پوست بوسیله زه یا نخ بر بدنه کاسه محکم نصب می‌گردد. در اصطلاح محلی طبل سمت راست را «جره» (jorre) و طبل سمت چپ را توار (Tovār) می‌نامند.

### اندازه‌ها

برای کاسه‌های دوطبله اندازه‌های کاملاً دقیقی را نمی‌توان ذکر کرد. قطر تقریبی کاسه سمت راست ۱۷ سانتی‌متر و قطر کاسه سمت چپ ۱۸ تا ۲۰ سانتی‌متر می‌باشد.

عمق کاسه تا سطح پوست تقریباً در حدود ۱۵ سانتی‌متر است. طول هر یک از قطعات چرمی که برای نوازندگی بکار می‌رود تقریباً ۲۵ سانتی‌متر است.

### طرز اجرا

طرز اجرای دوطبله تقریباً شبیه طاس است با این تفاوت که وحدت‌های ریتمیک ناشی از اجرای دوطبله به طبیعت حرکت «Marcher» نزدیکتر بوده، اکثراً تقلیدی از صدای یورتمه یا تاخت اسمب است.

معمول‌ترین ریتم‌های اجرا شده روی دوطبله را می‌توان بشکل‌های زیر نوشت:



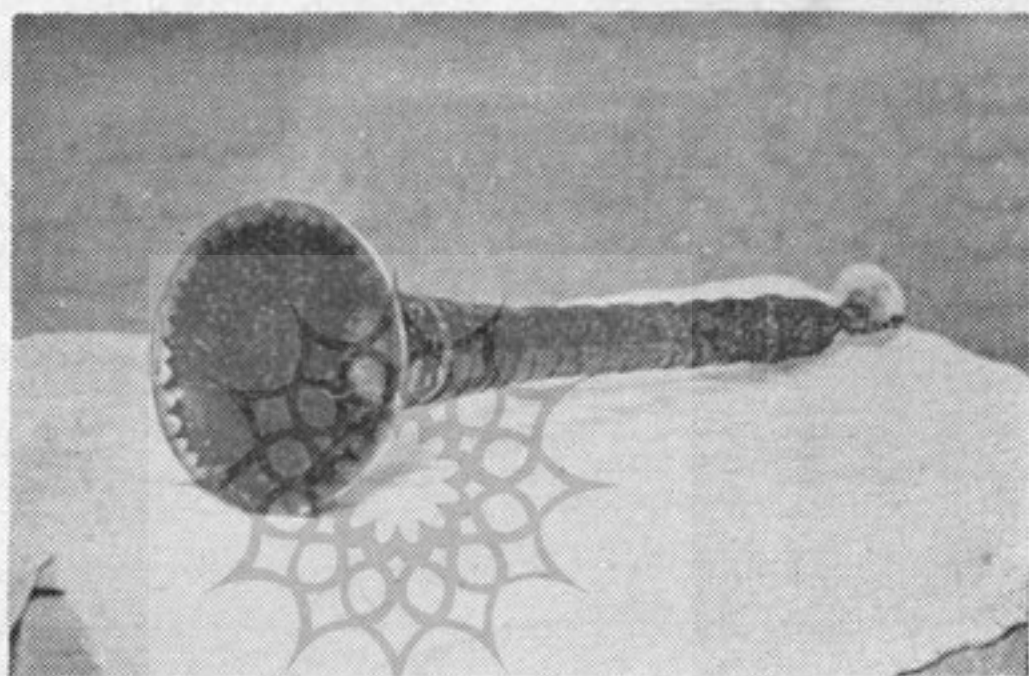
### سازهای آثروفون

#### ۱- سرنا

در بین سازهای آثروفون شاید بتوان گفت که سرنا رایج‌ترین آنها در کردستان است. کیفیت صوتی این ساز بخوبی مبین شخصیت موسیقی کردستان می‌باشد. صدای وسیع و پرتنین سرنا برای همراهی دهل و بمنظور اجرای ملودیهای رقص بکار می‌رود. سرنا را گاهی بطور تنه‌انیز بکار می‌برند فرم کلی این ساز با اختلاف جزئی تقریباً در همه جا یکسان است.

## خصوصیات کلی

سرنارا معمولا از آبنوس یا از چوب فوفل که رنگی قهوه‌یی و متمایل بسیاه دارد می‌سازند. بدنه اصلی سرنا در قسمت انتهایی شکلی شیپوری دارد که هرچه بطرف ناحیه دمیدن نزدیک می‌شود، حالت استوانه کامل‌تری را پیدا می‌کند. در قسمت داخلی سرنا مقطعی طولی از یک استوانه چوبی تعبیه کرده‌اند که در داخل بدنه اصلی و کشوی مانند قرار می‌گیرد. این قطعه برای هدایت صوت در داخل بدنه اصلی ساز و آماده کردن صداها قبل از انگشت گذاری است.



## سرنای سقز و مهاباد

قسمت انتهایی این چوب که ناودانی شکل است «میانه» نامیده می‌شود و دارای زائده‌یی است که بتواند آنرا در دهانه بدنه اصلی محکم نگاه دارد. سرنا قمیشی مضاعف دارد که تا حدودی شبیه قمیش ابوا است. این قمیش را از چوب صاف و قابل ارتعاشی مانند چوب گلابی می‌تراشند. قمیش طوری ساخته می‌شود که قطر خارجی آن درست با اندازه قطر داخلی چوب میانه باشد. آن را در داخل چوب میانه طوری تعبیه می‌کنند که کاملا محکم شود. لبه‌های قمیش بخاطر سهولت نوازدگی درست رویهم و موازی با سطح افقی قرار می‌گیرند. بمنظور اینکه نوازنده منطقه محدودی برای استفاده از قمیش داشته باشد، صفحه‌یی از جنس کائوچو یا صدف را حایل بین قمیش و بدنه اصلی تعبیه می‌کنند، بنحویکه لب‌های نوازنده بتواند کاملا پشت آن صفحه قرار گیرد.

باین ترتیب نوازنده قادر خواهد بود تمام نفس را از راه قمیش عبور دهد. بدنه سرنا در کردستان اکثراً دارای تزئینات زیادی است. این تزئینات در ساختمان اصلی و صدای آن هیچگونه تأثیری ندارند.

### اندازه‌ها

در اینجا نیز بدرستی نمیتوان اندازه‌های دقیقی برای اجزاء سرنا ادعا کرد ولی میانگین اندازه‌هایی که شخصاً از چند نمونه این ساز گرفته‌ام بقرار زیر است:

طول اصلی این ساز از ابتدای قمیش تا انتهای قسمت شیپوری شکل آن ۷۴ سانتی‌متر است.

بدنه اصلی بدون قمیش ۴۰ سانتی‌متر و در نتیجه درازای قمیش در حدود ۷ سانتی‌متر خواهد بود. طول چوب میانه در حدود ۱۲ سانتی‌متر است. قطر دهانه شیپوری سرنا حدود ۹ تا ۱۰ سانتی‌متر و قطر محل اتصال بدنه و قمیش در حدود ۳ سانتی‌متر می‌باشد.

طول قسمتی از قمیش که در موقع اجرا نوازنده از آن استفاده می‌کند ۳ تا ۳/۵ سانتی‌متر و قطر صفحه موجود بین بدنه و قمیش در حدود ۵ سانتی‌متر می‌باشد.

در سطح بدنه سرنا ۷ سوراخ برای انگشت‌گذاری وجود دارد و در زیر آن نیز یک سوراخ تعبیه شده که این سوراخ ایجاد زیر و بمی را بعهدہ دارد. فاصله سوراخهای سرنا تقریباً مساوی است و در حدود ۲/۵ سانتی‌متر است. قطر هر سوراخ سرنا در حدود ۷ میلی‌متر می‌باشد.

### طرز اجرا

نوازنده سرنا ساز را طوری در دست می‌گیرد که شست دست راست او روی سوراخ زیرین سرنا قرار گیرد. چهار سوراخ فوقانی مختص انگشتان سبابه - وسطی - بنصر و خنصر دست راست می‌باشد. شست دست چپ مختص ناحیه زیرین بدنه سرنا بوده و سرانگشت سبابه - وسطی و بنصر دست چپ برای سه سوراخ تحتانی سرنا مورد استفاده قرار می‌گیرند.

نوازنده در هنگام نواختن لبها را کمی بطرف داخل فشار داده و قمیش را بین دو لب خود نگه می‌دارد. نوازنده مجبور است تنفسی مداوم از راه بینی داشته باشد تا بدینوسیله بتواند باندازه کافی هوای آماده ذخیره کند. این

امردان سبب است که بیشتر ملوپیهای مربوط به سرنا در کردستان ممتد بوده و تقریباً در بین آنها سکوت دیده نمی‌شود. بنابراین تنفس مداوم نوازنده برای اجرای کامل این ملدیها ضروری است.



### سرناي سنندج و حومه

حدود اجرای سرنا تقریباً دو اکتاواست ولی بطور کلی بیش از یک اکتاوا آن معمول و مورد استفاده نیست.

### ۲- شمشال

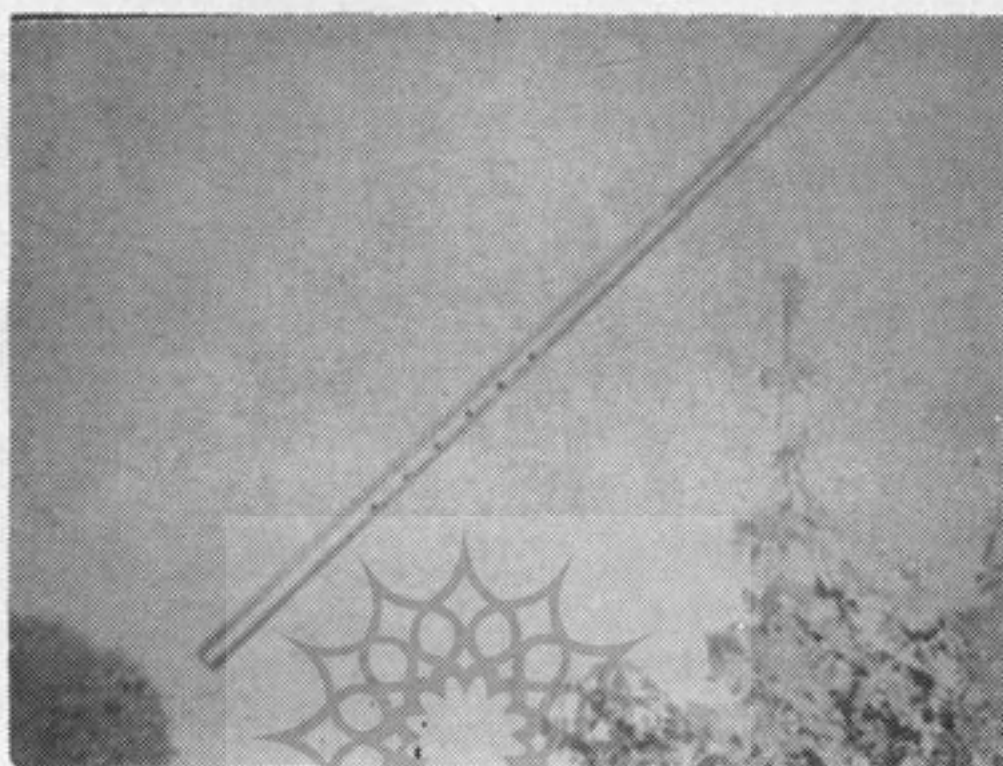
صدای این ساز شباهت فراوانی با نی هفت بند دارد. شمشال سازی است استوانه‌یی شکل که نواختن آن بین چوپانان و گوه‌نشینان کردستان مرسوم است.

دراویش نیز از این ساز در مراسم بخصوص خود که ذکر نامیده می‌شود استفاده می‌کنند.

### خصوصیات کلی

شمشال را در کردستان عموماً از نی طبیعی یا فلز می‌سازند. معمولاً فلز آن از جنس فولاد یا برنج است. این ساز بصورت لوله‌ای استوانه‌یی شکل ساخته شده و دو طرف لوله باز است. در سطح آن ۶ سوراخ جهت انگشت -

گذاری وجود دارد. شمشال صدایی گرفته و آرام دارد بهمین جهت آنرا در خانقاه‌های کردستان در فاصله ذکرهای دسته‌جمعی دراویش و برای همراهی اشعار مذهبی بکار می‌برند. از این ساز بیشتر برای اجرای قطعاتی که متریک مشخصی ندارد استفاده می‌شود.



نای (شمشال) ساز محلی خانقاه و از سازهای بومی

#### اندازه‌ها

طول شمشال هم اندازه کاملاً دقیقی ندارد. با توجه باندازه‌گیری چند نوع مختلف از این ساز می‌توان گفت درازای آن تقریباً ۵۰ سانتی‌متر و پهنا در حدود ۲ سانتی‌متر است در روی این ساز ۶ سوراخ با فاصله‌های مساوی تعبیه شده است. نحوه ایجاد سوراخها بدین ترتیب است که اولین سوراخ را با فاصله ۲۸ سانتی‌متر از محل دمیدن و بقیه سوراخها را بفواصل ۲/۵ سانتی‌متر بطرف قسمت انتهایی شمشال تعبیه می‌کنند. بنابراین محل انگشت گذاری تقریباً در قسمت وسط پایین ساز قرار می‌گیرد.

#### طرز اجرا

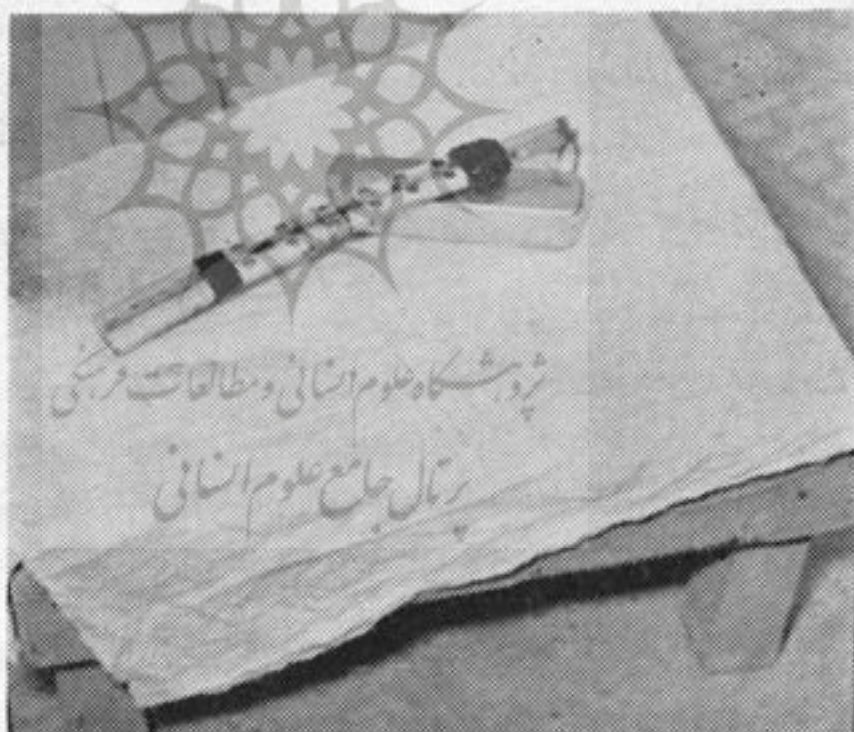
نوازنده شمشال را بین دو لب خود طوری قرار میدهد که موقع دمیدن بتواند مقداری از لب پایین را بداخل فشار دهد و لب بالا روی بدنه شمشال

را بگیرد. این ساز نسبت به بدن نوازنده کمی مایل قرار می گیرد. سه انگشت دست راست روی سه سوراخ پایین و سه انگشت دست چپ روی سه سوراخ بالاتر قرار می گیرد. انگشت های سبابه - وسطی و بنصر برای انگشت گذاری بر روی سوراخها بکار می رود. انگشت های شصت هر دو دست قسمت زیرین ساز را نگهداری می کنند. نوازنده هر ای جمع شده در دهانش را بکمک لبها به جداره داخلی ساز می دمده که از برخورد هوا به جداره قسمت های داخلی و برگشت آن صدا تولید می شود.

حدود اجرایی این ساز نزدیک به یک اکتاو است.

### ۳- دوزله (دونای)

دوزله یا دونای دارای صدایی ظریف و شاد است. در شخصیت صوتی دوزله کیفیتی آرام و سبک مشخص است. این ساز را بیشتر در مجالس جشن و مراسم اعیاد بکار می برند. دوزله معمولاً با دایره همراهی می شود.



دوزله یا دونای

#### خصوصیات کلی

ماده اصلی ساختمان این ساز از استخوان پا یا شاهپر عقاب می باشد.

برای ساختن آن ابتدا دو عدد استخوان باز را مدتی در آب می جوشانند تا مغز استخوان به سهولت و بطور کامل خارج شود. آنگاه استخوانهای خالی شده را چند روز در آب سرد نگهداری کرده و داخل آنها را بوسیله میله های فلزی سرخ شده پاک و صاف می کنند. سپس استخوانهای مزبور را بوسیله نخ یا زه و بکمک موم در جوار یکدیگر بطور هم سطح قرار می دهند.

بعلت خمیدگی استخوانها این ساز تقریباً فرم منحنی شکلی دارد. پس از محکم کردن دولوله استخوانی در کنار هم، در سطح هر یک از استخوانها ۶ سوراخ تعبیه می کنند، بطوریکه سوراخهای دولوله در یک ردیف قرار گیرند. فاصله سوراخها از پایین ببالاتی ساز تدریجاً بیشتر می شود. برای قمیش دوزله از دو عدد نی کوتاه نازک و توخالی استفاده می کنند.

انتهای لوله نی ها را، که در دهان قرار می گیرد، مسدود کرده، برشی در سطح هر دو نی ایجاد می کنند، بطوریکه یک قطعه از نی بریده شد ولی از بدنه نی جدا نشده است.

طریقه ایجاد این برش از خارج بطرف بدنه اصلی ساز است. سطح خارجی قسمت برش داده شده را تراشیده و نازک می کنند تا راحت تر بار تعاش درآید. آنگاه هر یک از این نی ها را در داخل یکی از استخوانها محکم کار می گذارند.

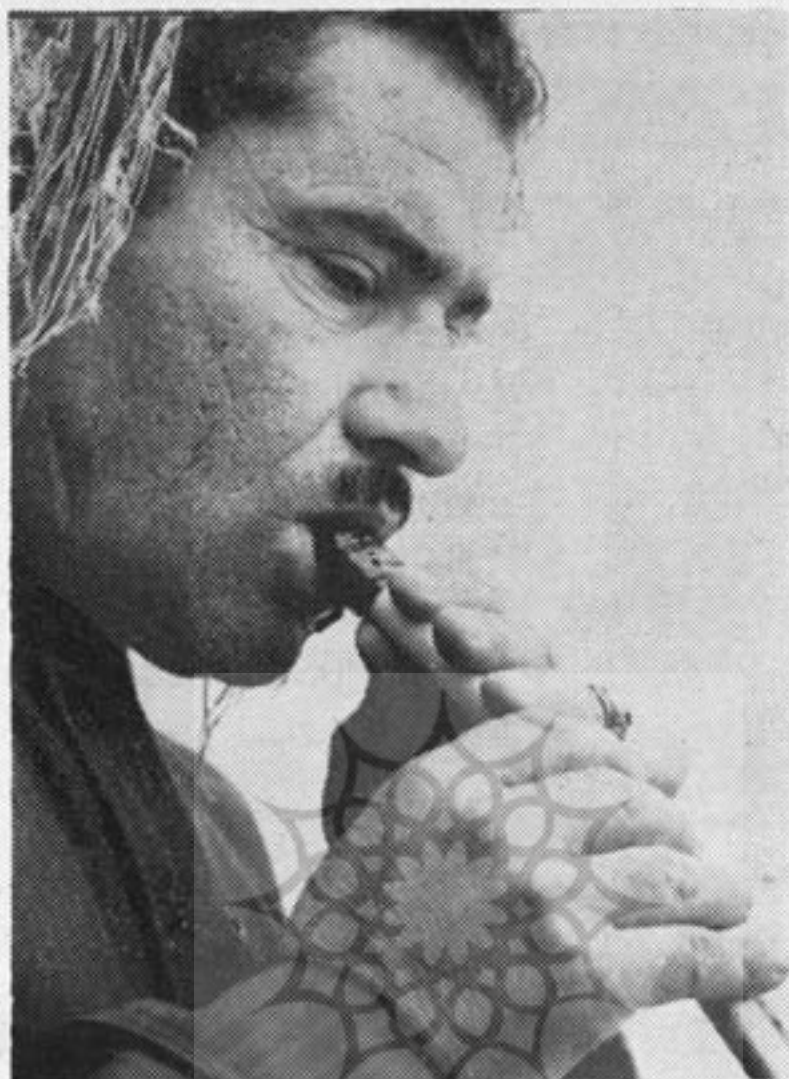
### اندازه ها

طول دوزله در حدود ۲۵ سانتی متر و پهنای استخوانها در قسمت بالا ۲/۵ و در قسمت پایین ساز به حدود ۴/۵ سانتی متر می رسد. قطر سوراخهای بالا در حدود ۵ میلی متر و قطر سوراخهای پایین در حدود ۶/۵ میلی متر است. طول نی هایی که منبع مولد صدا هستند در حدود ۷ سانتی متر می باشد. درازای قسمت برش داده شده نی ۴/۵ و عرض آن ۱ سانتی متر است.

### طرز اجرا

نواختن این ساز بوسیله سه انگشت سبابه - وسطی و بنصر هر دو دست عملی می شود. انگشت های شست هر دو دست بمنظور نگهداری ساز در قسمت تحتانی آن قرار می گیرند. سه انگشت هر دو دست طوری روی سوراخهای ساز واقع می شوند که دو سوراخ هم ردیف را، که روی دولوله استخوانی تعبیه شده اند، بگیرد. نوازنده قسمت نئی را در داخل دهان قرار داده، بوسیله لب بالا فشار

مختصری بر سطح برش داده شده نی وارد می کند و در آن می دمدم.



نوازنده دوزله

در این ساز نیز سه انگشت دست راست سوراخهای فوقانی و سه انگشت دست چپ سوراخهای تحتانی را می پوشاند. نوازنده مقداری هوا در فضای دهان خود ذخیره کرده و در نیها می دمدم. صدای حاصله از دولوله این ساز همصدا (Unison) هستند حدود اجرایی دوزله تقریباً یک اکتاو است.

#### ۴- نرمنه‌نای (بالابان)

برخلاف سایر سازها نرمنه‌نای در بخش بخصوصی از کردستان مانند سقز، بوکان و مهاباد رواج دارد. صدای این ساز نرم و در عین حال پرطنین و قوی است. نمونه‌یی از این ساز در قسمت‌های جنوبی و غربی آذربایجان دیده می‌شود. ساختمان ظاهری این ساز تقریباً شبیه سرنا می‌باشد با این اختلاف که لوله آن شکل استوانه کاملی را دارد.



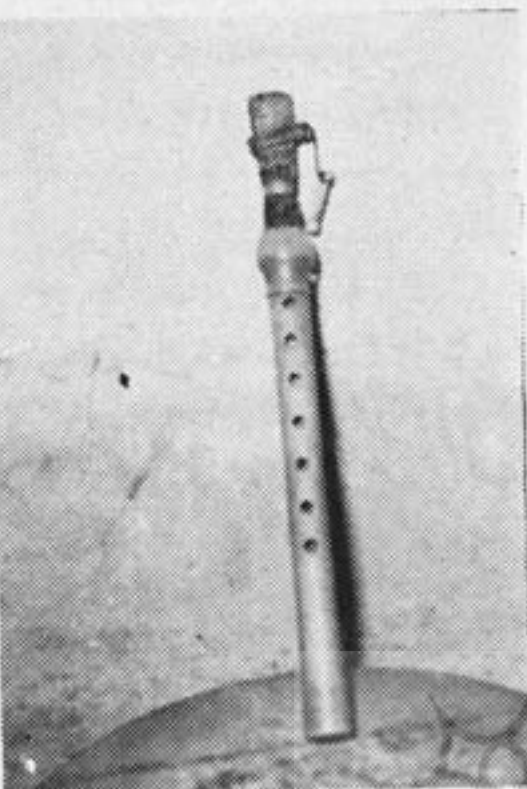
نرمه‌نای را به‌مراهی ضرب و دربرگزاری مراسم رقص بکار می‌برند. گاهی نیز بتنهایی نواخته می‌شود.

### خصوصیات کلی

اصطلاح نرمه‌نای به این علت به ساز اطلاق می‌شود، چون دارای صدایی نرم و لطیف است. نرمه‌نای را معمولاً از چوبهای محکم و سختی مانند آبنوس و فوفل می‌سازند. جدار داخلی آن کاملاً صاف و پرداخت شده است و صورت لوله‌یی استوانه‌یی و تو خالی را دارد.

ناحیه‌یی که محل دمیدن است، در سطحی برجسته‌تر از بدنه اصلی قرار دارد.

برش ناحیه‌یی که مخصوص دمیدن است، شکلی مورب دارد.



نرمه‌نای یا بالابان

این برش هرچه بداخل لوله نزدیکتر می‌شود از قطر لوله کاسته می‌گردد، ولی قسمت‌های دیگر لوله دارای فرم یکنواختی است.

بطور کلی نرمه‌نای از سه قسمت درست شده: ۱- تنه (Tane) ۲- زل (Zal) ۳- بس زل (Bas Zal). تنه را معمولاً از چوب عناب یا گردوم می‌سازند. در اصطلاح محلی تنه را (نی) می‌گویند. نی بدنه اصلی ساز را تشکیل می‌دهد. قسمت دوم «زل» است که از شاخه نی تهیه می‌شود و شامل دو قطعه نی پهن است که بطور افقی بر روی هم قرار گرفته و بوسیله نخ بهم بسته می‌شود، بطوریکه در بین آنها مختصر فاصله‌یی وجود دارد. قسمت زل در این ساز مانند سرنا کار قمیش را انجام می‌دهد.

قسمت سوم، بس، که از تنه درخت مو تهیه شده بوسیله نخ یا زنجیری به تنه ساز متصل است. بس روی زل محکم قرار می‌گیرد تا از افتادن آن جلوگیری شود.

### اندازه‌ها

طول نرمه‌نای در حدود ۴۰ تا ۵۵ سانتی و درازای قسمت دمیدن در

حدود ۴ سانتی متر می باشد . قطر ساز در حدود ۳ تا ۳/۵ سانتی متر است که این اندازه در سراسر طول ساز ثابت است . پهنای نی ها در قسمت زل در حدود ۲/۵ تا ۳ سانتی متر است . نرمنه نای دارای هفت سوراخ است که با فاصله های ۳ تا ۴ سانتی متر از همدیگر تعبیه شده اند . اولین سوراخ در حدود ۵ سانتی متر از ناحیه دمیدن ساز فاصله دارد . قطر هر یک از سوراخها در حدود ۶ میلی متر میباشد .

### طرز اجرا

در این ساز نیز در موقع اجرا از انگشت های شست دودست در زیر ساز به منظور نگهداری آن استفاده می شود . چهار انگشت سبابه - وسطی - بنصر و خنصر دست چپ برای سوراخهای فوقانی و سه انگشت سبابه - وسطی و بنصر دست راست مخصوص سه سوراخ تحتانی هستند . چون قطر این ساز زیاد است ، لذا نوازنده آن باید دارای تنفسی منظم و مداوم باشد .



نوازنده نرمنه نای (بالابان)

نوازنده دو قطعه زل را که همان قمیش ساز است در داخل دهان قرار داده و با دو لب خود آن را نگاه می دارد . ایجاد صوت با دمیدن در آن عملی می گردد . حدود اجرایی این ساز کمی بیشتر از یک اکتاو است .

## سازهای کوردفون

سازهایی که پیش از این شرح داده شد سازهایی هستند که بعلت آشنایی زیاد مردم کردستان با آنها و سابقه‌یی که از دیرزمان در این منطقه دارند، تا حدودی می‌توان آنها را بعنوان سازهای اختصاصی کردستان به حساب آورد. در شهرها و بخش‌های بزرگتر که بالطبع مراوده بیشتری با نقاط مختلف داشته‌اند، سازهای دیگری وجود دارند. در کردستان نیز گروهی از سازهای کوردفون بچشم می‌خورند. این سازها بوسیله نوازندگان دوره‌گرد و برای جشن‌ها و مراسم شادی بکار می‌روند. احتمالاً می‌توان ادعا کرد که سازهای مزبور نفوذی است از فرهنگ خارج از کردستان. در نتیجه این سازها اصیل نیستند و به کردستان انتقال یافته‌اند. معمول‌ترین سازهای کوردفون که در کردستان رواج دارند عبارتند از:

۱- تار

۲- کمانچه

۳- تنبور

۱- تار

تار سازی است که در اکثر نواحی ایران معمول می‌باشد. هنوز بخوبی از تاریخ و مبدأ تاریخی اطلاعات صحیحی در دست نیست. از تصاویر و نقاشی‌های موجود در کاشی‌کاریهای صفویه همین قدر پیداست که تار از آن زمان در ایران متداول بوده است. از قرار روایات غیر مستند مأخذ اصلی تار از زمان فارابی است که پرده بندی و سیم آنرا تکمیل کرده است و بعد از او استادان معروفی چون صفی‌الدین - خواجه بهاء‌الدین و همچنین ابوالفرج اصفهانی و دیگر استادان موسیقی، هر یک در باره تقسیم قواصل پرده، که موافق پرده‌های تار نیز هست، مطالبی ذکر کرده‌اند.

### خصوصیات کلی

تار شامل دو جعبه مجوف طنین بنام (کاسه و نقاره) می‌باشد. محل انگشت گذاری را دسته و ناحیه گوشه‌ها را پنجه می‌نامند. شکل و طول و حجم این ساز در نقاط مختلف ایران متفاوت است ولی همیشه دارای ۶ سیم، (یاسه سیم مضاعف)، است که در انتها به دکمه‌یی متصل می‌گردد و پس از عبور از خرنک به موازات هم در امتداد دسته، از شیار شیطانک رد شده بگوشی‌های مقابل هم

وصل می‌شود. خرك در فاصله  $\frac{1}{4}$  طول كاسه از انتهای آن قرار می‌گیرد و معمولاً آنرا در فراخ‌ترین محل دهنه كاسه قرار می‌دهند.

عمل خرك یا پل اینست که ارتعاشات سیم‌ها را به پوست و از آنجا به‌وی درون جعبه انتقال می‌دهد، تا هوا در اثر زرنانس به ارتعاش درآید. در حقیقت صدای تار از دو قسمت درست شده یکی از آنها مربوط به كاسه و نقاره و هوای درون آن و چوب است و دیگری مربوط به ارتعاش سیم. وقتی سیم تار در اثر حرکت مضراب بصدای درمی‌آید، فقط مقدار کمی از انرژی صوتی آن بگوش می‌رسد و قسمت بیشتر آن مربوط به صدای ارتعاش جعبه زرنانس (كاسه و نقاره) است که سیم‌ها بر روی آن قرار دارد. معمولاً پس از اتصال سیمها، روی آن قطعه مقوایی قرار می‌دهند تا هنگام نواختن آستین لباس خراب نشود. سردیگر سیم بگوشی‌ها اتصال دارد. هرگوشی دارای سوراخی است که سیم از آن عبور می‌کند. سیم‌های تار فلزی است و پرده‌های آنرا از زه یاروده انتخاب می‌کنند. يك زه نیز خرك را به چاك‌های مختلف سیم‌گیر وصل می‌کند. كاسه و نقاره را از چوب درخت توت انتخاب می‌کنند.

#### اندازه‌ها

طول تار معمولاً ۹۶ سانتیمتر و فاصله خرك تا شیطانك ۶۶ سانتی‌متر است. بیشتر اوقات محل آزاد سیم یعنی مقدار سیمی را که صدا می‌دهد، ۶۰ سانتیمتر می‌گیرند.

پهنای دسته تار در حدود  $\frac{3}{7}$  سانتیمتر است. طول قسمت كاسه و نقاره در حدود ۳۰ سانتی‌متر می‌باشد.

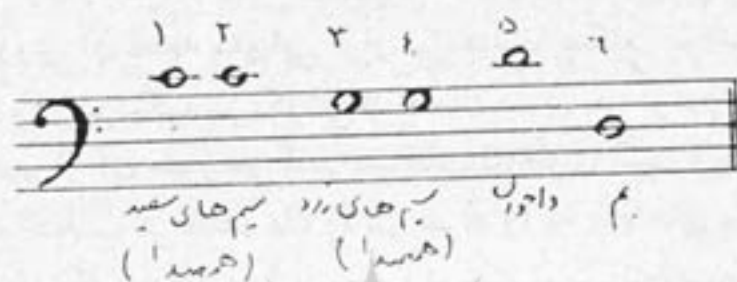
#### طرز اجرا

برای نواختن تار آنرا روی ران قرار داده و بازو و بدن را بآن تکیه می‌دهند و بعد با قطعه فلزی با سم مضراب، که بین سه انگشت شست سبابه و وسطی قرار دارد، چند سانتیمتر جلوتر رو بدسته و عمود بر امتداد سیم اجرا می‌نمایند. سر مضراب دارای مقداری موم مخلوط با قدری خاکستر تمیز و پشم یا كرك است تا بواسطه حرارت دست در موقع نواختن تغییر شکل ندهد. وقتی بخواهند تار را در هوای مرطوب یا خشك بنوازند چون پوست تار تغییر می‌کند از این نظر جای پرده‌ها نیز تغییر می‌یابد. برای آنکه از این اشکال جلوگیری شود باید بوسیله يك رشته زه خرك را به چاك‌های مختلف

سیم گیر وصل کرده ، آنرا با تغییر جزئی میزان کنند . وسعت اجرایی تار کمی بیشتر از سه اکتاو است .



سیم های تار دو بدو با هم کوک می شوند و معمولی ترین نحوه کوک کردن آنها بقرار زیر است :



## ۲- کمانچه

کمانچه از سازهای قدیم ملی است . «ابن الفقیه» اولین کسی است که در اوائل سده سوم هجری (دوره سامانی) کلمه کمانچه را در آثار خود بکار می برد . همچنین دانشمندانی نظیر «ابن غیبی» تفاوت آنرا با ساز مشابه (غزک) بررسی نموده اند . در اوایل قرن ششم (زمان غزنویان) مسعود سعد سلمان دریتی از اشعار خود از سازهای آن زمان و من جمله کمانچه نام می برد :

زنزنت و طرب و عز و شادکامی و لهو

راز چنگ و برابط و نای و کمانچه و بگماز  
بعضی رباب را که باکمان نواخته میشد کمانچه اولیه می دانند . در نقاشی های کاخ چهل ستون اصفهان تا بلویی از نوازنده کمانچه هم دیده می شود .

### خصوصیات کلی

کمانچه از نظر داشتن وضعیت صوتی خاص و همچنین حدود و امکانات وسیع فنی بیشتر از سازهای دیگر مورد توجه بوده و از مدتها پیش در بین دیگر سازهای ملی رل اصلی را بعهدده داشته است . کمانچه دارای کاسه بی است بشکل کره مجوف و از خارج صاف و صیقل داده شده که يك سمت کره را که

برجسته تر است بریده و بجای آن پوست کشیده اند. دسته کمانچه مخروط ناقصی است که راس آن بکاسه وصل است و در بعضی از نمونه های کمانچه، دسته گرد و بصورت استوانه است. این ساز دارای چهارسیم از جنس فلز است. در زمانهای گذشته سیم های کمانچه را از ابریشم و زه انتخاب می کردند. زیر کاسه میله یی آهنی تعبیه شده که از کاسه گذشته و بدسته مربوط می شود. این میله در زیر کاسه پایه ساز را تشکیل می دهد.

سیم ها در انتهای دسته به گوشی هایی که از گوشی های ویلن بزرگترند وصل می شوند. سیم گیر کمانچه در قسمت تحتانی کاسه قرار دارد. کمان (آرشه) کمانچه از چوبی باریک درست شده که تارهای آن از موی اسب و بوسيله دو حلقه گرد فلزی، که بچوب اتصال دارد، بسته شده است.

پوست کمانچه ضخیم تر از سایر سازهاست و از این جهت کمتر تحت تأثیر رطوبت و گرما قرار می گیرد. خرك در حقیقت مركز ساز و جایی است که ارتعاشات حاصله از کشیدن کمان در آن متمرکز و سپس بتمام قسمت های رسد و معمولاً آنرا عمود بر صفحه پوستی و نسبت به سیم ها کمی مورب قرار می دهند. لبه بالای خرك انحنای متناسبی دارد که معمولاً برای بدست آوردن صدای بم و تو دماغی آنرا با توجه به وضع کاسه نازک می کنند. جابجا کردن خرك بسیار مهم و در ایجاد صداهای مختلف مؤثر است. کاسه از چوب گردو یا افرا ساخته می شود. معمولاً برای ساختن آن قطعات چوب را طوری بهم وصل می کنند که کوچکترین مرزی میان آنها بچشم نمی خورد.

## اندازه ها

طول کمانچه از کاسه تا قسمت گوشی ها تقریباً ۵۰ سانتی متر است. طول دسته کمانچه را سابقاً ۲۸ سانتی متر می گرفتند، ولی امروزه این اندازه را به حدود ۳۱ سانتی متر رسانده اند. فاصله خرك تا شیطانك ۳۳ سانتی متر است. بلندی پایه فلزی کمانچه به حدود ۸ سانتی متر می رسد. طول کمان یا آرشه معمولاً ۵۷ سانتی متر و قطر دسته ساز در قسمت بالا ۴ سانتی متر و در قسمت پایین که بکاسه اتصال دارد در حدود ۳ سانتی متر میباشد. قطر دهنه کاسه تقریباً ۱۰ سانتی متر و فاصله خرك از دسته کمانچه تقریباً ۲/۵ سانتی متر است.

## طرز اجرا

پایه کمانچه عمود بر سطح زمین قرار گرفته و دسته به روی دست چپ

نوازنده تکیه می‌کند، بطوریکه در فاصله انگشت شست و سایر انگشتان قرار گیرد. طبیعی است که چهار انگشت دست چپ بر روی سطح دسته واقع می‌شود. آرشه را با دست راست می‌گیرند. موی آرشه کاملاً آزاد است و نوازنده انگشت‌های وسطی و بنصر را روی موتکیه داده و بخارج فشار می‌دهد تا مو بحالت کشیده‌تری درآید. انگشت خنصر زیر چوب وانگشت‌های شست روی چوب تکیه می‌کند.

با چنین کیفیتی نوازنده برای اجرا آماده است. البته جهت حرکت آرشه کمانچه ثابت است و برای رفتن از سیمی بسیم دیگر ساز را بکمک دست چپ و بر روی پایه فلزی می‌چرخانند.

### ۳- تنبور

تنبور یکی از آلات موسیقی قدیم ایران است که در تواریخ مکرر از آن گفتگو شده و نیز آثاری از نقاشی‌های گذشته بدست آمده که طرز نواختن آنرا معلوم نموده است. در فرهنگ نفیسی نوشته شده که: «تنبور، ماخوذ از تنبور فارسی، نوعی بربط که دارای گردنی دراز است.» آرتور کریستین سن در کتاب خود (ایران در زمان ساسانیان) می‌گوید: «مسعودی نام آلات موسیقی ایرانیان را چنین آورده است. عود - نای - تنبور - مزمار و چنگ - و گوید مردم خراسان بیشتر آلتی را در موسیقی بکار می‌بردند که هفت تار داشت و آنرا «زنک» یا «زنج» می‌خواندند اما مردم ری و طبرستان و دیلم تنبور را دوست‌تر داشتند و این ساز نزد همه مقدم بر سایر سازها بوده است.» در اشعار شعرای ایران نیز لفظ تنبور بشکل‌های مختلف آمده است فردوسی می‌گوید:

همانگونه تنبور در برگرفت  
سراییدن از کام دل برگرفت

\*

یکی ساخته نغز تنبور ساخت  
همی رزم راپیش خود سور ساخت

### خصوصیات کلی

تنبور سازی است زهی با دسته بلند و شبیه سه‌تار. با این تفاوت که دسته تنبور از دسته سه‌تار طویل‌تر است و کاسه آن نیز انحنای بیشتری دارد.

فارابی فیلسوف و موسیقیدان بزرگ ایران که در اواخر قرن سوم و نیمه اول قرن چهارم هجری می‌زیسته تحقیقات جامعی راجع به تنبور نموده و خصوصیات دو نوع تنبور خراسان و بغداد را شرح داده همچنین سایر موسیقیدانان قدیم ایران نیز در رسالات خود از تنبور نام برده‌اند.

آقای دکتر برکشلی در طی رساله‌ی پرده بندی تنبور خراسان و تنبور بغداد را مقایسه کرده‌اند. تنبور امروزی در کردستان و خصوصاً شهرستان کرند از توابع کرمانشاه دیده می‌شود.

با توجه به شواهد و قراین می‌توان گفت که تنبور امروزی شباهت زیادی به تنبور قدیم دارد.

### فرم کلی

شکل آن تقریباً شبیه سه‌تار اما بزرگتر است. تنبور معمولاً دو یا سه سیم دارد که دو سیم اول بفاصله چهارم و سیم سوم همصدا با سیم دوم کوک می‌شود. بر روی این ساز چهار پرده تعبیه می‌کنند که شامل فاصله يك اکتاو میشود.

### اندازه‌ها

چون تنبور را با اندازه‌های مختلفی می‌سازند که تفاوت آنها چشم‌گیر است لذا ذکر اندازه‌های کاملاً دقیق این ساز ممکن نیست.

### طرز اجرا

دسته تنبور را با دست چپ می‌گیرند و کاسه آن را روی زانوی می‌گذارند و با انگشتان دست راست می‌نوازند. تنبور را مانند دو تار محلی با پنجه می‌نوازند معه‌ذا روش نواختن آن خصوصاً در موقع برگشت انگشت‌ها فرق زیادی با دو تار دارد. دقت و ظرافتی که در نواختن تنبور بکار میرود در نواختن دو تار معمول نیست بیشتر نوازندگان فعلی تنبور در کردستان در اویش فرقه‌های مختلف این ناحیه هستند و آنها ملدیه‌های مذهبی خود را همراه تنبور و دف اجرا می‌کنند. صدای تنبور کم و عارفانه است.

در شماره آینده ، رقص‌های کردستان